پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین الملل، دورهٔ ۱۲، شمارهٔ ۱، شمارهٔ پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲
دورهٔ انتشار: شش ماهنامه * شاپا چاپی: 2322-3472 * شاپا الکترونیک: 2717-3402
https://doi.org/10.22067/irlip.2023.73149.1173
مقالهٔ پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

بازنمایی یادمان تسخیر سفارت در سیاست خاطرهٔ ایران دربرابر آمریکا

سیدجلال دهقانی فیروزآبادی[۱]
سامان فاضلی[۲]

چکیده

یکی از عناصر تکوین‌دهنده و تعیین‌کنندهٔ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال آمریکا، خاطرات تروماتیک از این کشور و به‌ویژه فراخاطرهٔ ۲۸ مرداد بوده است. پیوند خاطرات با سیاست خاطرهٔ تهاجمی و خصمانهٔ آمریکا و عدم پیگیری عدالت انتقالی از سوی این کشور، و همچنین، خلق خاطرات منفی جدید، موجب تداوم وضعیت پساتروماتیک در روابط ایران و آمریکا شده است. افزون‌براین، آرمان و ارادهٔ دولت انقلابی و اسلامی ایران، براساس اصل بنیادین استکبارستیزی، نیز معطوف به مبارزه با استکبار و مظهر آن، یعنی آمریکا بوده است. دراین‌راستا، با بهره‌مندی از خاطرات ناگوار از رفتار آمریکا، مبارزهٔ خاطراتی، به یکی از ابعاد مهم رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال آمریکا تبدیل شده است. همچنین، ایران پس از انقلاب اسلامی، درصدد برآمد که از نقشِ انفعالی قربانی صرف خارج شود؛ ازاین‌رو، با یورش به دردآورترین مکان خاطرهٔ ایرانیان، یعنی سفارت آمریکا، خاطرهٔ مهم و نوینی را در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸ خلق کرد. براین‌مبنا، پرسش پژوهش حاضر این است که «رویکرد خاطراتی جمهوری اسلامی ایران در قبال آمریکا در مورد ۱۳ آبان چیست؟» پاسخ این است که «رویکرد خاطراتی ایران دراین‌باره عبارت است از سیاست یادآوری خاطرهٔ ۱۳ آبان از طریق رویه‌های خاطراتی با محتوای روایتِ نفرت، عزت، و پیروزی همزمان و بازتولید مستمر آن به‌منظور موجه‌سازی، مشروعیت‌یابی، و انگیزه‌بخشی به سیاست خارجی در چارچوب اصل استکبارستیزی». روش انجام این پژوهش و شیوهٔ گردآوری داده‌ها، ترکیبی است و نویسندگان به‌اقتضای موضوع، همزمان از روش‌های کمی-کیفی و منابع کتابخانه‌ای-میدانی بهره برده‌اند.

کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، سیاست خاطره، رویه‌های خاطراتی، استکبارستیزی، موازنهٔ خاطره

---

۱. استاد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
Jdehghani20@Yahoo.Com, ORCID ID: 0000-0003-1055-5310
۲. دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طبابایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Samanfazeli43@Yahoo.Com, ORCID ID: 0000-0003-1055-5310

Representation of the Memory of the Seizing of the Embassy in Iran's Politics of Memory Towards the United States

Seyed Jalal Dehghani Firoozabadi[1]

Saman Fazeli[2]

Abstract
The Genealogy and construction of Iran's foreign policy after the revolution towards the United States has been based on the traumatic memories of Iranians from this country, especially the 1953 Iranian coup d'état. The connection of these memories with the lack of pursuit of transitional justice and appropriate politics of memory by the United States and creation of new negative memories, has led to the continuation of post-traumatic situation in Iran-US relations. On the other hand, the will of the revolutionary and Islamic government of Iran has been focused on the fight against global arrogance, led by the United States. In this regard, memory conflict became one of the important dimensions of Iran's approach to the United States. Also, after the revolution, Iranians sought to change its role from being a mere victim and by attacking the most painful memory site, the US Embassy, on November 4, 1979. Politics of memory is the mobilization of collective memories in order to legitimize the existing order and advance political-ideological projects in the internal and external environment through mnemonic socialization, the question of this research is what is the memorial approach of the Islamic Republic of Iran to the United States about the Nov 4, 1979? The answer is that Iran's memorial approach in this regard is the politics of remembrance of the Nov 4, 1979 memory through memorial practices with the narration of hatred and victory at the same time and its continuous reproduction in order to legitimize and motivate foreign policy.
Keywords: Iran, USA, Politics of Memory, Memorial Practices

۱ Professor of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Jdehghani20@Yahoo.Com. ORCID ID: 0000-0003-1055-5310
۲ Phd Candidate of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Samanfazeli43@Yahoo.Com, ORCID ID: 0000-0002-8334-1462

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۱۲، شمارهٔ ۱، شماره پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

مقدمه

روابط تاریخی ایران و آمریکا، مصداق «گذشتهٔ پردردسر»[1] است؛ گذشتهٔ زنده و فراموش‌نشده‌ای که براساس ادبیات خاطراتی، «گذشتهٔ فعال» نام دارد. در تبیین تنش‌های میان ایران و آمریکا، مؤلفه‌های پرشماری مطرح شده‌اند، اما یکی از متغیرهایی که موردغفلت قرار گرفته، تاریخ، یا به‌بیان دقیق‌تر، خاطره[2] است. از این چشم‌انداز، تاریخ افزون‌بر «ریشهٔ منازعه» به «میدان منازعه» نیز تبدیل می‌شود. هریک از اقدامات آمریکا در قبال ایران، از کودتا گرفته تا قتل‌عام، به‌تنهایی می‌تواند زمینه‌ساز منازعهٔ دامنه‌دار و ایجاد ادراک و تصور پایدار دشمن‌انگاری میان هردو کشور شود؛ ازاین‌رو، پس از انقلاب، خواست مشروع ایران، درپیش گرفتن فرایندهای مربوط به عدالت انتقالی[3] و سیاست پشیمانی[4] مبتنی‌بر دیپلماسی غرامت[5] یا دیپلماسی عذرخواهی[6] از سوی آمریکا بود. تنها موردی که مقام معظم رهبری به‌طور مشخص و مستقیم دربارهٔ امکان و شیوهٔ حل‌وفصل مشکلات ایران و آمریکا صحبت کرده‌اند، در سالگرد ۱۳ آبان در سال ۱۳۸۷ بود. توجه به این‌گونه نشانه‌ها می‌تواند سنت پژوهشی مهم و مغفولی را در مطالعهٔ روابط ایران و آمریکا بگشاید. ایشان در این بیانات می‌گویند: «پس از انقلاب، آمریکایی‌ها می‌توانستند از ملت ایران عذرخواهی کنند؛ می‌توانستند ضربه‌هایی را که به ملت ما زدند، آن مقداری‌اش که قابل‌جبران است، جبران کنند. اگر این کار را می‌کردند، مسئلهٔ آن‌ها با ایران حل می‌شد» (Supreme leader, 2008). این سخن به‌این‌معناست که اگرچه حتی درصورت عذرخواهی آمریکا نیز اختلافات و مسائل گوناگونی باقی می‌ماند، دست‌کم مانعی برای حل مشکلات، وجود نداشت. در اینجا رهبر معظم انقلاب اسلامی، مشکل

---

۱. Troubled Past

۲. در زبان انگلیسی، واژه memory در همهٔ حوزه‌ها، ازجمله علوم کامپیوتری، پزشکی، و اجتماعی به‌کار می‌رود. واژهٔ یادشده، در زبان فارسی در همهٔ زمینه‌ها به «حافظه» ترجمه شده است؛ اما به‌نظر می‌رسد، دقیق‌تر این است که برای کاربردهای فناورانه و پزشکی و روان‌شناسی از «حافظه» و برای کاربردهای جامعه‌شناختی و فرهنگی از «خاطره» استفاده شود. کاربرد حافظه در زمینه‌های بیناذهنی و فرهنگی، عبارت‌های بی‌معنایی می‌سازد؛ به‌عنوان مثال، جمله‌ها و عبارت‌هایی همچون «من حافظه‌های زیادی در این شهر دارم» یا «حافظه‌های مردم ایران از روسیه» و مانند آن، باید برای معنادارشدن با واژهٔ خاطره جایگزین شوند.

۳. Transitional Justice

۴. Politics of Regret

۵. Compensation Diplomacy

۶. Apology Diplomacy

ایران و آمریکا را در چارچوب شیوهٔ «مدیریت گذشته» و «سیاست خاطره»[1] تحلیل کرده‌اند.

ارادهٔ نظام سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی معطوف به مقابله و مبارزهٔ مشروع با آمریکا شد و دراین‌راستا، تلافی تاریخی به یکی از محورهای اصلی این رویارویی تبدیل شد. ضمن اینکه موجه‌سازی و مشروعیت‌آفرینی پیوسته برای رویکرد تقابلی با آمریکا، نیازمند نوعی سیاست خاطراتی عمیق و قوی بوده است. با اجتماعی‌تر شدن امر سیاسی و انقلاب ارتباطات و پیگیری مستمر تحولات سیاست خارجی از سوی مردم، جمهوری اسلامی ایران، همانند دولت‌های دیگر، به زمینه‌های اجتماعی داخلی و خارجی سیاست خارجی و ازجمله حوزهٔ خاطراتی، توجه فزاینده‌ای کرده است. اصل اسلامی «تذکر ایام‌الله»[2] و «تعظیم شعائرالله»[3] نیز در تأکید بر سیاست خاطره و برجسته‌سازی ۱۳ آبان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است.

هدف پژوهش حاضر این است که در عصر «چرخش خاطراتی»[4]، رویکرد خاطراتی ایران در سیاست خارجی و به‌ویژه در ارتباط با آمریکا را بررسی کند. سیاست خاطرهٔ ایران در برابر ایالات متحده، مبتنی‌بر سیاست یادآوری[5] خاطرات تروماتیک از طریق «رویه‌های خاطراتی»[6] است. سیاست یادآوری که رویکردی تقابل‌جویانه است، عبارت است از بازگویی و بازتولید هدفمند خاطراتِ منفی به‌منظور تبیین و تضعیف گفتمان خاطراتی دشمن و معتبرسازی و مشروعیت‌بخشی به سیاست خارجی نزد مصرف‌کنندگان خاطره[7] از طریق تعیین و تسلط بر معنای گذشته. در قالب سیاست یادآوری، هر اقدام خصومت‌آمیز آمریکا، نه یک پدیدهٔ مجزا، بلکه حلقه‌ای از زنجیرهٔ خصومت است که از طریق اثر گلوله‌برفی، تأثیر آن بیشتر، «سوءپیشینهٔ» آمریکا گسترده‌تر، و جرم آن نابخشودنی‌تر می‌شود. این یادآوری می‌تواند با انباشت

---

۱ Politics of Memory

۲. اصل تذکر ایام الله در آیه ۵ سوره ابراهیم بیان شده است: وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا مُوسى بِآياتِنا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللهِ إِنَّ فی ذلِكَ لَآياتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ؛ ما موسی را با آیات [و معجزات] خود فرستادیم [و دستور دادیم]؛ قومت را از تاریکی‌ها به‌سوی نور خارج ساز و ایّام الله [روزهای خاصّ الهی] را به آنان یادآوری کن. در این، نشانه‌هایی است برای هر شکیبای شکرگزار.

۳ اصل تعظیم شَعَائِرَ اللَّهِ مبتنی بر این آیه شریفه قرآن کریم است: ...وَمَن يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ ... و هر کس شعائر خدا را گرامی بدارد، پس این از تقوای دل هاست (سوره حج، آیه ۳۲).

۴ Memory Turn

۵ Politics of Remembrance

۶ Memorial Practices

۷ Memory Consumers

نفرت از آمریکا و زنده نگه داشتن نقش قربانیِ ایران، زمینهٔ مناسبی برای تداوم مبارزه با استکبار جهانی باشد؛ اما برای تداوم مقاومت و مبارزه با آمریکای مستکبر و انگیزه‌بخشی به سیاست خارجی، به اسطوره یا خاطره[1] پیروزی نیز نیاز داریم. این خاطره به‌خوبی در یوم‌الله ۱۳ آبان وجود دارد.

۱۳ آبان، با تلاقی سه رخداد مهم، یکی از منحصربه‌فردترین خاطرات معاصر ایرانیان است که امام خمینی آن را انقلاب دوم نامیدند؛ زیرا، از این منظر، انقلاب اسلامی ایران علیه دست‌نشاندهٔ آمریکا، یعنی شاه رخ داد، اما ۱۳ آبان، انقلاب بر ضد فرمان‌دهنده به او نیز بود. این خاطره در روابط ایران و آمریکا یک «گذشتهٔ قابل‌استفاده»[2] است که هر دو کشور از آن استفادهٔ پیوسته‌ای داشته‌اند. پرسش پژوهش حاضر این است که «رویکرد خاطراتی جمهوری اسلامی ایران در قبال آمریکا در مورد خاطرهٔ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ چیست؟» پاسخ این است که «رویکرد خاطراتی ایران در قبال آمریکا، عبارت است از سیاست یادآوری خاطرهٔ ۱۳ آبان از طریق رویه‌های خاطراتی با محتوای روایی نفرت[3] و پیروزی هم‌زمان و بازتولید پیوستهٔ آن به‌منظور مشروعیت و انگیزه‌بخشی به سیاست خارجی».

ماهیت اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی در سیاست خارجی به‌گونه‌ای است که این خطر وجود دارد که با کم‌رنگ‌شدن خاطرات ملی، احساس ضرورت و مشروعیت مبارزه با استکبار و آمریکا در میان مردم و حتی نخبگان، تضعیف شود؛ تهدیدی که رهبران انقلاب اسلامی همواره در مورد احتمال وقوع آن، هشدار داده‌اند. ضمن اینکه عدم تقارن و توازن قدرت، موجب شده است که خاطرات منفی تروماتیک از آمریکا (از کودتای ۲۸ مرداد و کاپیتولاسیون گرفته تا شلیک به هواپیمای مسافربری و به‌شهادت رساندن سردار سلیمانی)، بیشتر از خاطرات مثبت پیروزی مادی بر آمریکا باشد. اگرچه براساس جهان‌بینی اسلامی، شهادت، بالاترین پیروزی است، اما وجود یک نمونهٔ زنده، لازم است تا هم‌زمان، هم نفرت و هم حس پیروزی و اعتمادبه‌نفس لازم را در مردم و کارگزاران بپرورانند و زنده نگه دارد.[4] این مهم با رجوع به خاطرهٔ ۱۳ آبان به‌دست می‌آید که به‌طور هم‌زمان، روایتِ واقعی قربانی بودن ایرانیان و ظلم‌ها، مداخلات،

---

۱. تفاوت اسطوره و خاطره در میزان آرمانی و نمادین بودن آن‌ها است. اسطوره فهم مقدس و بسیار آرمانی و دوردست است. خاطره فهم احساسی و محرک است و از اسطوره عینی‌تر و دسترس‌پذیرتر می‌باشد. اسطوره گرامی داشته می‌شود و احترام ایجاد می‌کند، خاطره به یادآوره می‌شود و انگیزه ایجاد می‌کند. مثلا پیش از انقلاب اسطوره عاشورا تبدیل به خاطره عاشورا شد.

۲. Usable Past

۳. نفرت و تبری جستن از مستکبران و دشمنان اسلام، یکی از فروع دین در مذهب تشیع، یعنی اصل برائت، است.

۴. واقعهٔ عاشورا، نمونه و مصداق آشکار این نوع خاطره است.

و جاسوسی‌های آمریکا، ازیک‌سو، و تحقیر آن‌ها ازسوی‌دیگر است. رویه‌های خاطراتی می‌توانـد و بایـد روزانه این نفرت و خشم را بازتولید و هر روز و هر سال را تبدیل به جشن پیروزی بـر آمریکـا کنـد.[1] روش پژوهش حاضر و شیوهٔ گـردآوری داده‌هـا، ترکیبـی اسـت و نویسـندگان به‌اقتضـای موضـوع، هم‌زمـان از روش‌های کمی‌ـکیفی و منابع کتابخانه‌ای‌ـمیدانی بهره برده‌اند.

۱. پیشینهٔ پژوهش

دربارهٔ نقش خاطره یا حافظهٔ جمعی در ایران، بیشتر در حوزهٔ جامعه‌شناسی فرهنگی و قومی، پژوهش‌هـایی انجام شده است که به‌عنوان نمونه می‌توان به مواردی مانند وجود تفاوت‌های نگرشی و ارزشـی در حافظـهٔ جمعی نسل‌ها دربارهٔ جنگ عـراق علیـه ایـران و دوران دفـاع مقـدس (Farzbad & Choobdasti, 2016)، نقش حافظهٔ جمعی در تشکیل هویت ایرانی (Farzbad, Rezaei & Choobdasti, 2016)، مقـاطع برجسـته در حافظـهٔ جمعـی مـردم بوکـان (Kazemi & Mostafa Pour, 2013)، تـأثیر حافظـهٔ ارامنـه بـر زنـدگی انزواطلبانهٔ آن‌ها در ایران (Rasouli, 2015)، و نقش پروژه‌ها و فراینـدهای سیاسـی کنـونی بـر یـادآوری و فراموشی جمعی (Karimi, 2013) اشاره کرد. یکی از مقاله‌های مهم دراین‌بـاره، مقالـه‌ای بـا عنـوان «نقـش حافظهٔ جمعی در بروز منازعات قومی» است (Davoodi, 2012) که ضمن شـرح مفیـد نظریـه‌های سیاسـت خاطره، الگو و مفاهیمی را برای تبیین کلی منازعات قومی با استفاده از نظریه‌های خاطرهٔ جمعـی ارائـه داده است.

فتاحی‌زاده (2016) نیز در پژوهش خود، ضمن شرح نظریهٔ سیاست خاطره، در پی رفـع کاسـتی‌ها بـه‌منظور تحقیق عملی برپایهٔ این نظریه بوده اسـت تـا ازاین‌طریـق بتـوان سیاسـت خـاطره را در رویـه‌های خـاطراتی نوشتاری و تصویری شرح داد.

جوادی یگانه و همکاران (2016) با استفاده از روش تحلیل گفتمان، یکی از مهم‌تـرین مکان‌هـای خـاطره، یعنی موزه‌های تهران پس از انقلاب و نقش آن‌ها (موزه‌هـای کاخ‌هـای سـلطنتی، مـوزهٔ عبـرت، و...) را در بازسازی و بازتولید دانش تاریخی بررسی و تبیین کرده‌اند.

عنوان اثر دیگر، «خاطره، تاریخ و تروما: سیاست و ابداع خاطره» (2017) است که متشـکل از چهـار مقالـه

---

۱. آموزهٔ «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» نمونه و مؤید این کارکرد رویه‌های خاطراتی است. امـام خمینـی دربـارهٔ ایـن کـارکرد و اهمیـت عاشورا می‌گویند: ...محرّم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است. فداکاری سیدالشهدا (سلام‌الله علیه) است که اسلام را برای ما زنده نگه داشته است (صحیفه امام، ج۱۵، ۳۳۰).

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۱۲، شمارهٔ ۱، شماره پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

است؛ *آدورنو*، موضوع کنار آمدن با گذشته (دورهٔ ناسیونال‌سوسیالیسم) آلمان را بررسی کرده است، *هابزمام*، برساختگی و «ابداعی» بودن سنت‌ها را شرح داده، *ادوارد سعید*، کشمکش‌های اجتماعی حفظ و انکار خاطره را تبیین کرده، و *گیلوچ* و *کیلبی*، بازنمایی خاطره را در شهر منچستر بررسی کرده است. بااین‌حال، در بین آثار یادشده، هیچ اثری که مطالعات خاطره را به سیاست خارجی ایران یا دست‌کم سیاست خارجی، پیوند بزند، یافت نشد.

دو اثر «سایهٔ مصدق بر روابط ایران و آمریکا» نوشتهٔ *جیمزاف‌گود* (2003) و پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشدی در دانشگاه لیدن هلند با عنوان «سیاست جشن‌های ملی در ایران پساانقلابی» با استفاده از نظریهٔ سیاست خاطره، ادعا کرده‌اند که پس از انقلاب اسلامی گفتمان جدید فرهنگی با بهره‌گیری از چرخهٔ یادآوری سالانه، چیره شده است. به‌زعم نویسنده «اسلامی‌سازی» تقویم، حذف ابعاد ملی‌گرایانه، و مصادرهٔ معنایی روزهای ملی باقی‌مانده، تلاش عمدهٔ خاطراتی پس از انقلاب بوده است (Intini, 2015). درست برخلاف نظر یادشده، نویسندهٔ دیگری در مقالهٔ «ملت کهن ایران؟ کتب درسی و خاطرهٔ تاریخی در ایران پساانقلابی» می‌نویسد: انقلاب اسلامی، ایران را از «عصر ایران» به «عصر اسلام» نبرده است و نظام جدید، اساس رویکرد هویتی رژیم گذشته، یعنی «ملت کهن ایران» و اسطورهٔ ملت ویژه و قدیمی ایران را حفظ کرده است (Ram, 2000).

شریعتی و *سروش‌فر* (2016) نیز با استفاده از نظریهٔ *هولباخ* و *هابزبام* و با بررسی توجه جمهوری اسلامی ایران به سیاست‌های تقویمی، به این نتیجه رسیده‌اند که دولت ایران با رویکردی گذشته‌نگر و مبتنی‌بر اعتبار گذشته، درصدد هویت‌یابی و مشروعیت‌بخشی به رویکرد حال خود است. باوجود انجام پژوهش‌های یادشده، هیچ پژوهش میان‌رشته‌ای مستقلی که سنت پژوهشی مطالعات خاطره را با سیاست خارجی ایران در قبال آمریکا پیوند دهد، یافت نشد و پژوهش حاضر، درصدد پر کردن این خلأ پژوهشی است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

دیدگاه‌های مربوط به مطالعات خاطره از نیمهٔ دوم قرن بیستم مطرح شد و در عصر پساجنگ سرد رونق خاطره[1] افزایش یافت؛ تاجایی‌که جهان امروز را «عصر بزرگداشت» نامیده‌اند (Kasbarian, 2017, 2). خاطرهٔ جمعی به‌عنوان یک فرایند، فعالیت، و سازهٔ اجتماعی از طریق ساخت و تنظیم روایت‌های مشترک

1. Memory Boom

از رویدادهای گذشته، به هویت ملی شکل می‌دهد. جوامع، در یک رابطهٔ دیالکتیکی پیوسته میان گذشته و حال درگیرند. خاطرهٔ جمعی براساس یک سرگذشت مشترک، حس تعلق به گروه را پدید می‌آورد. پدر و بنیان‌گذار مفهوم خاطرهٔ جمعی[1] *موریس هولباخ*[2] جامعه‌شناس فرانسوی و شاگرد دورکیم، بود. او برخلاف *فروید*، بر این نظر بود که انسان‌ها، پدیده‌ها را در چارچوب روابط جمعی و از طریق ارتباطات و نه در انزوا، به‌خاطر می‌آورند. نظریه‌های او، به‌ویژه مفهوم «حال‌گرایی»[3] به‌تدریج، مفهوم سیاست خاطره را در رشته‌های گوناگون علوم انسانی رواج داد. ویژگی مشترک همهٔ این پژوهش‌ها این بود که نشان دهند، فهم ما از گذشته دارای پیامدهای مهم راهبردی، سیاسی، و اخلاقی برای حال است و منازعه بر سر معنای گذشته منازعه بر سر حال نیز هست (Verovek, 2016, 2). سیاست خاطره عبارت است از راهبردهای سیاسی برای تطبیق گذشته با حال. خاطرهٔ تاریخی، داستانی است که گروهی از مردم به زبانی ساده دربارهٔ خودشان و پیوندشان با گذشته، حال، و آینده می‌گویند. دقت و مستند بودن خاطره، کاملاً رعایت نمی‌شود و برعکس، برای مقبولیت بیشتر، معمولاً روایتی ساده‌سازی‌شده از گذشته ارائه می‌شود (Bell, 2006, 13-14).

خاطرهٔ جمعی با تأسیس یک بنیان برساخته و با ارجاع به گذشته از طریق ایجاد تصویری مطلوب و تفسیری رسمی از درس‌های تاریخ عمل می‌کند. خاطرات، شکل‌پذیر و قابل‌تغییرند؛ بنابراین، دولت‌ها سعی در روایت خاطرات به‌گونه‌ای دارند که توجیه‌کننده و مستدل‌کنندهٔ شرایط جاری باشد (Cherviatsova, 2020, 3). خاطره با تاریخ متفاوت است. تاریخ، دربارهٔ حقایق رویدادهای گذشته براساس اسناد است، اما خاطره، دربارهٔ این است که گذشته و تاریخ چگونه فهمیده و تفسیر می‌شوند. تاریخ، محصور در بافت زمانی است، اما خاطره، گذشته را حیاتی دوباره می‌بخشد و مانع از این می‌شود که «گذشته در گذشته بماند» (Langenbacher, 2010, 28). خاطره، حماسی و محرک است و برای خدمت به منافع ایدئولوژیک و اعتقادی در زمان حال و حمل باورهای فرهنگی مشخص و معین به آینده شکل گرفته و برساخته می‌شود. در یک تعریف خلاصه، خاطره را «دانش احساسی و حماسی از رویدادهای گذشته» دانسته‌اند (Verovesk, 2017:6). برخی از سیاستمداران، بیش از اینکه دغدغهٔ تاریخ داشته باشند، دغدغه‌مند

---

1. Collective Memory
2. Maurice Halbwachs
3. Presentism

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۱۲، شمارهٔ ۱، شماره پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

مناسبات قدرت هستند؛ ازاین‌رو، به سیاسی کردن مؤلفه‌های بسیج‌کننده‌ای همچون هنر، مذهب، و خاطره روی می‌آورند. هدف این‌دسته از سیاستمداران، تمهید توجیهات تجربه‌شده برای پیگیری یک‌سری اولویت‌ها و اهداف مشخص و معین است. آن‌ها برای موجه و مشروع‌سازی راه‌حل‌های خود، روایتی موجه از گذشتهٔ تاریخی را، که برای مخاطبان، آشنا و باورپذیر است، به‌کار می‌گیرند و خط‌مشی‌های خود را در امتداد آن قرار می‌دهند (Banchoff, 1996, 36- 37).

هر دولتی که خاطرات آن، مشروعیت و رواج بیشتری داشته باشد، «قدرت خاطراتی»[1] بیشتری دارد. در جهان مدرن، خاطرات در کانون تولید و بازتولید گونه‌های مختلف اقتدار سیاسی بوده‌اند. در اینجا محور منازعه، «نزاع بر سر خاطره»[2] است. کسی بر حال تسلط دارد که بر گذشته مسلط باشد (Rusu, 2017, 1- 2). خاطره، ادامهٔ سیاست است، با ابزاری دیگر؛ بنابراین، «موازنهٔ خاطره» به‌سود هر طرف باشد، قدرت برتر نیز با اوست. در اینجا قدرت/ دانش فوکو، به قدرت/ خاطره تبدیل می‌شود (Seitz, 2017). معنای خاطره هیچ‌گاه تثبیت نمی‌شود و همیشه به‌روی تفاسیر مختلف گشوده است. تفسیر نیز به موقعیت گروه‌های خاطراتی گوناگونی وابسته است که براساس علایق خود به رمزگشایی خاطرات می‌پردازند (Jaskulowski and Majewski, 2017, 2).

خاطره، به‌خودی‌خود باقی نمی‌ماند و خاطرات، میل به کم‌رنگ شدن و فراموشی دارند. خاطره‌ای که کم‌رنگ شود، کارکرد اجتماعی و سیاسی‌اش را در جهت‌دهی به ادراک از دست می‌دهد. خاطره، نوعی جهت‌گیری فعال به‌سوی گذشته است؛ ازاین‌رو، دولت‌ها از طریق رویه‌های خاطراتی به «جامعه‌پذیری خاطراتی»[3] یا «خاطره‌پذیری»[4] اقدام می‌کنند (Barrowclough, 2014, 141; Jõesalu and Ene Kõresaar, 2013, 179). جامعه‌پذیری خاطراتی، عبارت است از فرایند انتقال خاطرات غالب توسط کارگزاران خاطره به تودهٔ وسیعی از اعضای جامعه (Craik, 2000, 283). دولت‌ها در راستای باقی ماندن خاطرات مطلوب خود به سیاست بزرگداشت[5] روی می‌آورند. خاطره، قائم‌به‌خود نیست و در جایی به‌نام

---

۱ Memorial Power

۲ Struggle For Memory

۳ Mnemonic Socialization

۴ Memorialistion

۵ Politics of Commemoration

«مکان‌های خاطره»[1] زیست می‌کند. *شوارتز*، بزرگداشت‌ها را که به‌معنای «به‌یاد آوردن با هم» است، این‌گونه تقسیم‌بندی می‌کند: متون بزرگداشتی[2] (زندگی‌نامه‌ها، آهنگ‌ها، اشعار)، موسیقی‌های مرتبط با تاریخ، شمایل[3] (نقاشی‌ها، عکس‌ها، فیلم‌ها)، بناهای یادبود[4] (موزه‌ها، گورستان‌ها، مجسمه‌ها) زیارتگاه‌ها[5] (محل جنایت، محل زندگی، مکان‌های وفات)، نام‌گذاری‌های مربوط به گذشته (خیابان‌ها، شهرها) و مراسم بزرگداشت[6] (سالگردها، جشن‌ها) (Schwartz, 1982, 377- 379).

دولت‌ها، پیوسته از فهم و تفسیر غالب از گذشته برای بسیج خاطره به‌عنوان یک ابزار سیاسی و مؤلفهٔ قدرت برای زمان حال استفاده می‌کنند. اهمیت خاطرات برای برخی از دولت‌ها، به‌سبب نقش آن در تولید کلیشه‌ها به‌عنوان الگوی سادهٔ درک واقعیت است. افراد، تفسیرهای بدون ابهام از گذشته و سناریوهای رفتاری قابل‌استفادهٔ آسان را به تحلیل‌های چندسطحی و چندمتغیره ترجیح می‌دهند (Wawrzy, 2013, 3). *زروباول* استدلال می‌کند که دانش بسیاری از مردم از گذشته، بیشتر برآمده از فعالیت‌ها و مناسبت‌های بزرگداشتی است، نه از مطالعهٔ رسمی تاریخ (Wills, 2005, 111).

فرض سیاست خاطره، مبتنی‌بر اجتماعی بودن انسان است و از متغیر قدرتمند احساسات جمعی به‌عنوان ابزاری راهبردی در سیاست به‌جای رویکردهای سنتی کشورداری بهره گرفته می‌شود (Bachleitner, 2019, 492). با توجه به اهمیت سیاسی خاطره، در حوزهٔ سیاست خارجی، خاطراتی که مربوط به دولت‌های خارجی باشند، محور پژوهش قرار می‌گیرند. به‌ویژه اینکه قرن بیستم را به‌دلیل آکنده بودن آن از جنایت‌های هولناک در داخل و بین کشورها، می‌توان «عصر تروما» نامید. در این عصر و در جوامع تروماتیک، نمی‌توان بدون توجه به این تجربه‌های وحشتناک و بازنمایی‌ها و یادآوری‌های آن‌ها، سیاست خارجی را توضیح داد (Resende and Budryte, 2014, 1-3). تضادهای احتمالی خاطرهٔ رسمی یا دولتی با خاطرهٔ اجتماعی، یا حتی با «خاطرهٔ جهانی»[7] موجب ایجاد اصطکاک و مشروعیت‌زدایی در سیاست

---

۱ Sites of Memory

۲ Commemorative Scriptures

۳ Icons

۴ Monuments

۵ Shrines

۶ Commemorative Observances

۷. به‌عنوان مثال، اسرائیل یکی از قدرت‌های خاطراتی دنیا است؛ زیرا، توانسته است از طریق رویه‌های قدرتمند خاطراتی با کمک غربی‌ها، خاطرهٔ هلوکاست را تبدیل به «خاطرهٔ جهان‌وطن» کند. چنان‌که شناخت هلوکاست، کلید خاطراتی ورود به اتحادیه اروپا است و رومانی و

خارجی می‌شود. دولت‌ها اگر نتوانند خاطرات خود را با زمان حال تطبیق دهند، مجبور خواهند شد زمان حال را با خاطرات هماهنگ کنند. در این پژوهش، شش رویهٔ خاطراتی سیاست نام‌گذاری، بناهای یادبود، روزهای ملی، مدارس، قوانین خاطره، و رسانه‌های جمعی بررسی شده‌اند.

• **سیاست نام‌گذاری:** منبع اصلی خاطرهٔ جمعی، شهر است که می‌تواند روایت خاطراتی پایداری را همواره در معرض دید عموم قرار دهد (Katz, 2013, 71). هدف از به‌کارگیری «سیاست نام‌گذاری»[1] فضاهای عمومی، تأیید ارزش‌های سیاسی و فرهنگی غالب بوده است(D’Ascenzo, 2016, 442). نام‌گذاری، بیش از تفکر آگاهانهٔ شهروندان بر تعمق و توجه ناخودآگاه تمرکز دارد. در اینجا سرمایه‌گذاری در گذشته، بدون لزوم استناد به آن، مطرح است. این رویهٔ خاطراتی از نوع رویه‌های غیربزرگداشتی است که نسخهٔ موجه و «مجاز» تاریخ در محیط‌های عادی زندگی روزمره را مشخص می‌کند (Schudson, 1997, 3). رویه‌های خاطراتی دیگر، موقتی هستند، اما نام‌های عمومی بزرگداشتی، دائمی‌اند و مشخص می‌کنند که چه تصور و تفسیری از گذشته در حوزهٔ عمومی غالب است. روزمرگی این رویهٔ خاطراتی، تأثیرات ناخودآگاه و مهمی بر حوزهٔ سیاست یادآوری دارد (Redwood, 2008: 432).

• **بناهای یادبود:** بناهای یادبود، بیانیهٔ خاطراتی قابل‌مشاهده‌ای هستند که به آن‌ها نماخاطره[2] نیز می‌گویند. موزه‌ها از مهم‌ترین این بناها و از جذاب‌ترین مجموعه‌ها برای آموزش و سرگرمی بازدیدکنندگان به‌شمار می‌آیند. موزه‌ها، نمایش بی‌طرفانهٔ گذشته نیستند، بلکه در راستای آرمان‌ها، اهداف، و باورهای خاصی ساخته شده‌اند و در پی «به‌صحنه آوردن»[3] خاطرهٔ مشخصی هستند. موزه‌ها، حاملان و ناقلان خاطراتی[4] هستند (Stan and Nadya Nedelsky, 2015, 236-248). تجربهٔ تأثیرگذاری که بازدیدکننده از موزه به‌دست می‌آورد، موجب می‌شود که خاطرهٔ عمومی را درونی کند؛ گویی رخداد موردنظر برای خود او اتفاق افتاده است و از آن تجربهٔ زیسته دارد و دارای نوعی وجدان ساختگی[5] می‌شود

لهستان باید برای عضویت در اتحادیه اروپا، نقش و ابراز پشیمانی خود را در جریان هلوکاست، به‌طور رسمی اعلام می‌کردند. حتی سازمانی دولتی به‌نام اتحاد بین‌المللی یادبود هولوکاست با ۳۴ عضو تشکیل شده است که اعضای آن، وظایف آموزشی، قانونی، و سیاسی را در زمینهٔ هلوکاست به‌عهده گرفته‌اند (Langenbach, 2010, 20; Labanyi, 2008, 123).

۱ The Politics of Naming

۲ Memoryscape

۳ Staging

۴ Memory Vehicles

۵ Prosthetic Conscie

(Sodaro, 2018, 25). انسان به‌ندرت تنها با ایده‌ها به‌خاطر می‌آورد و خاطرات انتزاعی از طریق پیوند با مادیت[1] در چارچوب فضای پیرامون فیزیکی تجسم می‌یابند و مانند مذهب، در قالب‌هایی همچون مجسمه، تصاویر، بناها، و مقبره‌ها متجسم می‌شوند (McKinnon et.al., 2016, 2-3). دراین‌صورت، خاطره، دچار تصلب و عینیت می‌شود و از خطر تغییرپذیری در امان می‌ماند. مکان‌های خاطراتی، «دامنهٔ دلالت»[2] را کاهش می‌دهند و مانع تغییروتحول روایی خاطرات می‌شوند (Aden, 2012, 74). مکان‌های خاطره، رویدادهای گذشته را به‌همراه همهٔ معناها، عواطف، و «درس‌های» مربوط به آن از گذشته به حال می‌آورند. «حس مکان»[3] در این رویهٔ خاطراتی اهمیت دارد. حس مکان، معنا، تصور بیناذهنی، و عواطف مردم در مورد محیط است.

- **روزهای ملی:** همهٔ کشورها برای «ملت‌بودگی» و «ملت‌ماندگی» به روز ملی نیز نیاز دارند. این روزها، احساسات را به درک ویژه‌ای از تاریخ پیوند می‌زنند و لحظه‌هایی را ایجاد می‌کنند که ملت «با هم به‌یاد می‌آورند». روزهای ملی، معنای زندگی عمومی و شیوه‌های تفکر «درست» در مورد افراد و رویدادهای گذشته را استاندارد و همگام می‌کنند. این نوع آگاهی برخلاف آگاهی‌های حاصل از کتاب، آمیخته با احساسات و اعتقادات است. این روزها، روایتی تکرارشونده‌اند[4] که هر شهروند با یک تجربهٔ مشترک، در زیست خاطراتی جامعهٔ خود مشارکت کرده و ملت را به اجرای دوبارهٔ تاریخ در چارچوب روایت ملی ترغیب می‌کند (Ariely, 2016, 4).
- **قوانین خاطره:** «قوانین خاطره»[5] عبارتند از وضع قوانین دولتی برای تجلیل، ممنوعیت، دریافت و پرداخت غرامت، تحقیق و تفحص، و جرم‌انگاری روایت‌های بدیل در مورد رخدادهای تاریخی. این قوانین، درصدد عرضهٔ نسخهٔ رسمی و قانونی «حقیقت تاریخی» هستند؛ چیزی که از آن می‌توان با عنوان «حاکمیت خاطراتی»[6] یاد کرد (Snyder, 2004, 39). دولت‌ها از طریق نوعی راست‌کیشی خاطراتی، در پی به‌انحصار درآوردن روایت‌گری دربارهٔ گذشته هستند. قانون ممنوعیت انکار هلوکاست در ۱۶ کشور

۱ Materiality
۲ Range of Signification
۳ Sense of Place
۴ Recurring Narratives
۵ Memory Law
۶ Sovereignty Over Memory

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۱۲، شمارهٔ ۱، شماره پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

اروپایی و اسرائیل، قانون فرانسه برای جلوگیری از نفی دستاوردهای این کشور در دوران استعمار، و قانون حفاظت از قهرمانان و شهدای چین، ازجمله این قوانین هستند. قانون، ابزار پرکاربردی است که با فیلتر کردن اطلاعات مربوط به گذشته و به‌فعل درآوردن برخی رویدادهای تاریخی و پنهان کردن برخی دیگر از موارد، تأثیر چشمگیری بر امنیت خاطراتی[1] دارد؛ ازاین‌رو، دولت‌ها با وضع قانون در پی مقابله با تهدیدهای خاطراتی هستند (Mälksoo, 2015, 1).

• **مدارس:** نخستین و طولانی‌ترین نهاد رسمی‌ای که به جامعه‌پذیری خاطراتی می‌پردازد، مدارس هستند. تصاویر و داستان‌های مشترک دربارهٔ گذشته، از طریق متون آموزشی و سرگرمی، ایده‌ها و احساسات ماندگاری را دربارهٔ گذشته در ذهن کودک حک می‌کنند (Wills, 2005, 111). ذهن کودک برای انتقال خاطراتی، بسیار مناسب است. مدارس دوران مدرنیته، تنها مجموعه‌ای از مؤسسه‌های علمی نیستند، بلکه مجموعه‌هایی چندبعدی و در رابطهٔ کامل با ایدئولوژی رسمی نظم مستقر هستند. نقش «سیاست کینه»[2] در کتاب‌های درسی، موضوع پژوهش‌های فراوانی بوده است. کتاب‌های درسی از ابزارهای مهم مدیریت گذشته‌اند که آن‌ها را معدن طلای سیاست خاطره نامیده‌اند (Wang, 2018, 82). مدارس، مهم‌ترین نهادها برای همگن‌سازی خاطراتی[3] یا وحدت خاطراتی هستند (Paulson et al., 2020, 5-7). «جنگ کتاب‌های درسی»[4] بین کشورهایی همچون ژاپن و چین یا ارمنستان و ترکیه، حکایت از اهمیت این کتاب‌ها در مناسبات کشورها دارد. دولت‌ها پس از تغییرات سیاسی و انقلابی، به‌منظور براندازی دولت مستقر، از طریق مدارس اقدام به «براندازی گذشته»[5] و نظم پیشین می‌کنند و «گذشته‌ای جدید» می‌سازند (Wiliams, 2014, 328).

• **رسانه‌های جمعی (فیلم و سریال):** امروزه رسانه‌ها در زمرهٔ مهم‌ترین میانجی‌های انتقال خاطرات هستند. رسانه‌ها در لابه‌لای گزارش‌های به‌ظاهر بی‌طرف خود، پیوسته «اخبار گذشته» را نیز ارائه می‌دهند. بسیاری از مردم از موزه‌ها و بناهای تاریخی بازدید نمی‌کنند، اما امروزه، به‌تعبیر *اندرسون*، مطالعهٔ اخبار در روزنامه (و اینترنت)، جایگزین نماز و نیایش صبح شده است و این بستر، واسطه‌ای بسیار کاربردی برای

---

1. Mnemonical Security
2. Politics of Resentment
3. Memorial Homogenization
4. Textbook Wars
5. Overthrow of The Past

خاطره‌پذیری است (Neiger, 2019, 4). در این زیرمجموعه، فیلم‌ها و سریال‌ها، تأثیرگذاری خاطراتی بسیار بیشتری دارند. عمر توجه به یک گزارش خبری، یک یا چند روز است، اما یک فیلم می‌تواند برای دهه‌ها پخش شود و مخاطب داشته باشد. در فیلم، شخصیت‌ها خلق می‌شوند و توجه مخاطب نه به گویندگان و گزارشگران، بلکه به انسان‌ها است. امروزه فیلم‌های تاریخی، ابزار مهمی برای انتقال خاطراتی و مرکز توجه هستند؛ به‌گونه‌ای که از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۲۰، از ۳۰ فیلم برندهٔ اسکار، ۱۷ مورد، مربوط به موضوعات تاریخی یا داستان‌ها و شخصیت‌های تاریخی بوده‌اند که «فهرست شیندلر»، «شجاع‌دل»، «تایتانیک»، «گلادیاتور»، «سخنرانی پادشاه»، «آرگو»، و «۱۲ سال بردگی» از مهم‌ترین آن‌ها هستند. نکتهٔ جالب‌توجه این است که «آرگو» یک فیلم ضدایرانی است که به موضوع تسخیر سفارت آمریکا و حادثهٔ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ می‌پردازد. در این فیلم، از همهٔ فنون و وجوه سیاست خاطره برای روایت دلخواه این رویداد تاریخی به‌نفع آمریکا و به‌زیان ایران استفاده شده است.

۳. سیاست نام‌گذاری خاطرهٔ ۱۳ آبان

در تاریخ ایران مدرن، ابعاد سیاسی نام‌گذاری‌ها، بسیار اهمیت داشته است. رضاشاه، در راستای ایدئولوژی ناسیونالیستی و باستان‌گرایی پهلوی، نام بیش از ۲۰۰ شهر و روستا و حتی نام کل کشور را تغییر داد و اگر کسی نام قدیمی را به‌کار می‌برد، از سوی پلیس جریمه می‌شد (Jalalpour, 2012, 49). پس از سقوط پهلوی دوم و پیروزی انقلاب اسلامی، یک «انقلاب نام‌گذاری» نیز رخ داد؛ به‌گونه‌ای که نام سران و وابستگان و مظاهر رژیم شاهنشاهی از اماکن و خیابان‌ها حذف شد. در دورهٔ دولت موقت، طی یک سال، نام ۵۰۰ مکان تغییر کرد. فتح نام‌ها همانند فتح سرزمین‌ها از مؤلفه‌های قدرت دولت‌ها به‌شمار می‌آید؛ ازاین‌رو، نام‌گذاری‌ها از محورهای منازعه‌های سیاسی در تاریخ انقلاب اسلامی بوده است؛ به‌عنوان مثال، به‌دلیل تمایل دولت موقت به ملی‌گرایی و مصدق و به‌ویژه هم‌پیوندی او با خیانت آمریکا در سال ۱۳۳۲، پس از پیروزی انقلاب، خیابان‌ها و میدان‌های بسیاری در سراسر کشور به‌نام وی نام‌گذاری شد. نمادین‌ترین خیابان تهران، یعنی خیابان پهلوی، نیز به‌نام مصدق تغییر یافت. در سال ۱۳۶۰، پس از انتقاد صریح امام خمینی(ره) از مصدق، وزارت کشور، فوراً نام این خیابان را به ولیعصر تغییر داد و در همهٔ نقاط کشور نیز این نام از مکان‌های مختلف برداشته شد. پس از ۳۶ سال، سرانجام در سال ۱۳۹۶، دوباره خیابانی به‌نام مصدق نام‌گذاری شد. شورای‌عالی انقلاب فرهنگی در مصوبهٔ «سیاست نام‌گذاری خیابان‌ها و امکان عمومی»، الزامات نام‌گذاری را تصویب کرد و برای هماهنگی نام‌گذاری در کشور، یک شورای ویژه را زیر نظر این شورا تشکیل داد. براساس آیین‌نامهٔ شورا، در حوزهٔ نام‌گذاری، اولویت نخست، شخصیت‌های

صدر اسلام و انقلاب و اولویت دوم، شخصیت‌های تاریخی و ادبی هستند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰).

نام‌های خاطراتی مرتبط با خاطرات منفی از آمریکا همچون ۱۶ آذر، مصدق، شهید سلیمانی، و... نقش مهمی در آمریکاستیزانه کردن روح شهرها داشته است؛ هرچند مهم‌ترین آن‌ها ۱۳ آبان است. نام ۱۳ آبان در فضاهای شهری، به‌خوبی توانسته است خاطرهٔ یادشده را از طریق پیوند با روزمرگی و محیط خاطراتی ایرانیان، تثبیت کند. کمتر فردی وجود دارد که با یک خیابان، میدان، مدرسه، داروخانه، ایستگاه اتوبوس، بوستان، شهرک، و کوچه با نام ۱۳ آبان برخورد نکرده باشد. در حوزهٔ «نام‌شناسی»[1] هرچقدر یک اسم خاص، مصادیق گسترده‌تری را دربر گیرد، قدرت معنایی آن افزایش می‌یابد و به فهرست واژگانی روزانه و روزمره تبدیل می‌شود؛ به‌عنوان مثال، در تهران، داروخانه، بیمارستان، کلانتری، و حتی بازار تره‌بار نیز به این نام، نام‌گذاری شده است تا در زندگی عامهٔ مردم، حضور و جریان سازنده‌ای داشته باشد. این رویه در حوزهٔ خاطره‌پذیری مردمی و عامیانه[2] قرار دارد. افراد بدون‌توجه، نام ۱۳ آبان را به‌کار می‌برند و این نام، ناخودآگاه، زنده و آشنا باقی می‌ماند. نام‌ها، سازندهٔ زندگی اجتماعی هستند و تنها یادآوری نام ۱۳ آبان، بخش مهمی از فرایند خاطره‌پذیری است و وظیفهٔ پر کردن محتوای روایی آن، به رویه‌های خاطراتی دیگری واگذار شده است.

نام‌گذاری ۱۳ آبان، شخصیتِ فضاهای عمومی و مردمی را ضدآمریکایی و ضداستکباری می‌کند. نام‌ها، واژگانی خنثی نبوده و دربردارندهٔ بینش و سمت‌گیری هستند؛ بنابراین، با کاربرد یک نام، محتوای آن نیز بازتولید می‌شود؛ ازاین‌رو، هر فردی هنگامی‌که نام ۱۳ آبان را به‌کار می‌برد، با توجه به روایت متعارف و جاری از این نام، گرایش‌های خصمانه در مقابل آمریکا را تثبیت و تحکیم کرده و توسعه می‌دهد. این فن و فناوری نرم موجب می‌شود که همهٔ شهروندان در بازتولید آمریکا و استکبارستیزی سهیم شوند. نام‌گذاری و جای‌نام[3] در عین کارآمدی، راهبردهای خاطراتی آسان، ارزان، و سریعی هستند. تابلوهای پرشمار ۱۳ آبان، تنها برچسب‌های ساده‌ای برای مسیریابی نیستند بلکه همانند استقرار پرچم پیروزی، روایت تحقیر و شکست آمریکا به‌شمار می‌آیند. برخلاف مراسم روز ملی، از طریق نام‌ها، هر روز جشن

---

۱. Onomastics
۲. Banal
۳. Toponymy

پیروزی بر آمریکا تکرار می‌شود. نام‌ها و نشانه‌های ضدآمریکایی، همچون یک گالری شبانه‌روزی، احساساتِ شهروندان را به‌طور دائم علیه سیاست‌ها و اقداماتِ استکباری آمریکا برمی‌انگیزد. ازاین‌طریق، کالبد شهرها به‌سبب به‌کارگیری نام‌های یادبود ضدآمریکایی، افراد را محاصرۀ خاطراتی و معنایی می‌کند و شهروندان، آمریکاستیزی را زندگی می‌کنند. خاطرۀ ۱۳ آبان در ذهن و زندگی افراد، رسوخ و رسوب می‌کند و سیاست خارجی‌ای که منطبق با این خاطره نباشد، در ذهنیت زیستۀ آن‌ها نامشروع به‌شمار می‌آید. براین‌اساس، ارتباط وثیق و عمیقی بین سیاست نام‌گذاری و سیاست خارجی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که اصل بنیادین استکبارستیزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بازتولید و تعمیق می‌شود و دولت‌ها نمی‌توانند به‌آسانی از آن عدول کنند؛ زیرا، با خاطرۀ جمعی مردم، در تعارض و تقابل است.

٤. بناهای یادبود (سفارت سابق آمریکا)

قلب ژئوپلیتیک خاطره[1] ایرانیان، سفارت سابق آمریکا است که در فرهنگ انقلاب اسلامی، «لانۀ جاسوسی» نامیده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که حدود هفت دهه است که سیاست داخلی و خارجی ایران تحت تأثیر این بنای نمادین و رخدادهایش قرار دارد. برخلاف آمریکایی‌ها، خاطرۀ سفارت آمریکا برای ایرانیان، فراتر از ۱۳ آبان ۱۳۵۸ است؛ زیرا، شخصیت مکان این ساختمان، بازگوکننده و انتقال‌دهندۀ خاطرات دیگری همچون کودتا، کاپیتولاسیون، حمایت از شاه، ساواک، تهاجم نظامی طبس، و ده‌ها اقدام ضدایرانی دیگر است؛ بنابراین، رویکرد خاطراتی ایران در مورد تسخیر سفارت، نه‌تنها سیاستِ پشیمانی و پوزش‌خواهانه[2] نبوده، بلکه آن را خاطره‌ای الگو و معیار، مایۀ افتخار، و نیازمند یادآوری دائمی می‌داند. در حوزۀ خاطرۀ عمومی، فتح سفارت آمریکا به خاطره‌ای فعال و الهام‌بخش تبدیل شده است. سیاست خاطراتی ایران با برجسته‌سازی این مکان توانسته است خاطره‌ای درونی‌شده را برای افراد زیادی ایجاد کند. بسیاری از ایرانیان تابه‌حال در این مکان، خاطرۀ حضور فیزیکی نداشته‌اند، اما حس مکان را دریافت کرده و دارای نوعی قضاوت حسی و نظام شناختی دربارۀ مکان یادشده هستند. هرچند در سال‌های اخیر، «خرده‌خاطره» یا «پادخاطره‌ای[3]» دربارۀ رویداد تسخیر سفارت برساخته شده است که تلاش می‌کند روایت و حس مکان متفاوتی را شکل و انتقال دهد، اما بدگمانی و منفی‌نگری ایرانیان به سفارت‌خانه‌های

---

۱ Geopolitics of Memory

۲ Apologetic

۳ Counter-Memory

مداخله‌گر بیگانه بسیار ریشه‌دار است و به قرن نوزدهم برمی‌گردد. چنان‌که ایرانیان، ۱۵۰ سال پیش از تسخیر سفارت آمریکا، سفارت روسیه را تصرف کردند. افزون‌براین، ۲۶ سال پیش از ۱۳ آبان ۱۳۵۸، در تظاهرات ۳۰ تیر ۱۳۳۲ برای نخستین‌بار عنوان «لانۀ جاسوسی» برای سفارت آمریکا به‌کار رفت (Milani, 2013, 219). نقش منفی و مؤثر سفارت آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، این واقعیت را در مورد سفارت آمریکا ثابت کرد؛ هرچند می‌توان گفت، «سفارت‌هراسی» ناشی از «بیگانه‌هراسی» تاریخی ایرانیان، پس از انقلاب اسلامی بر اثر اقدامات منفی آن‌ها تعمیق و توسعه پیدا کرد.

تبدیل سفارت آمریکا به موزۀ لانۀ جاسوسی، بهترین راهی است که معنای خاطره در آن را ثبت و تثبیت می‌کند. موزه، محل نگهداری اشیاء باارزش است. موزۀ لانۀ جاسوسی، به‌خوبی از خاطرۀ باارزش ۱۳ آبان در برابر فراموش‌شدگی و تغییر روایی و تحریفِ یادخاطره، محافظت می‌کند. این موزه، مانند موزۀ آشویتس-برکنا، که خود مکان تاریخی وقوع جنایت بوده است، با تلفیق محتوا و مکان، شاهد عینی جنایت‌های آمریکا در ایران است. رازآلود بودن درون سفارت به‌دلیل داشتن ابعاد جاسوسی، موجب جذابیت و تبدیل شدن آن به یک منطقۀ گردشگری شده است. این موزۀ واقع‌گرایانه، به‌دلیل داشتن شواهد عینی، به‌دور از انتزاع و تخیل است. بازدیدکنندگان، دستگاه‌های جاسوسی آمریکا را به‌چشم خود می‌بینند. راهنمای موزه به‌درستی توضیح می‌دهد که این دستگاه‌ها می‌توانستند همۀ بی‌سیم‌ها و تلفن‌ها، ازجمله تلفن امام خمینی را شنود کنند. ناظر، از وجود آن‌همه دستگاه جاسوسی در یک سفارت‌خانه که مأموریت دیپلماتیک دارد، شگفت‌زده می‌شود. در موزه‌ها افراد به‌جای آموختن یا خواندن، تاریخ را «می‌بینند» (Violi, 2012, 51)؛ بنابراین، بازدیدکننده، با دیدن تاریخ جنایت‌های آمریکا، آن‌ها را به خاطرۀ خود تبدیل می‌کند.

دیوارنگاره‌های سفارت پیشین آمریکا نیز از مهم‌ترین دیوارنگاره‌های شهر تهران است که توجه مخاطبان داخلی و خارجی را جلب می‌کند. در ایران، دیوارنویسی‌های پیش و پس از انقلاب بر گفتمان سیاسی بسیار مؤثر بوده است (Ayatollahi & Fahmiyefar, 2012, 89). دیوارنگاره‌های کنونی با شدیدترین و البته دقیق‌ترین مضامین هنری آمریکاستیزانه و تحقیرکننده طراحی شده‌اند تا روح عزت و افتخار را در ایرانیان، زنده نگه دارند. سرنگونی پهپاد آمریکا، چشم جهان‌بین در دریای خون، سرنگونی هواپیمای مسافربری، و گل تاریخی حمید استیلی به آمریکا که توپ به مشت تبدیل شده است، ازجمله این دیوارنگاره‌های تأثیرگذار هستند. در آیین رونمایی از این دیوارنگاره‌ها در آبان ۱۳۹۸، فرمانده کل سپاه، معاون قرارگاه خاتم‌الانبیا(ص)، فرمانده سپاه رسول‌الله(ص)، رئیس تربیت‌بدنی سپاه، سه نمایندۀ مجلس

شورای اسلامی، و معاون وزیر دفاع، حضور داشتند که نشان‌دهندهٔ اهمیت این رویهٔ خاطراتی در گفتمان انقلاب اسلامی است. همچنین، از سفارت ۴۴ هزارمتری آمریکا، بهره‌های خاطراتی دیگری نیز گرفته شده است که به‌عنوان نمونه می‌توان به ساخت قبرستان سربازان آمریکایی و تبدیل سفارت آمریکا به حسینیه اشاره کرد که بیانگر شور عاشورایی در ظلم‌ستیزی است.

۵. سیزده آبان: روز ملی مبارزه با استکبار جهانی

در تاریخ معاصر ایران، تقویم، اهمیت سیاسی گسترده‌ای پیدا کرده است؛ به‌گونه‌ای که تغییر تقویم از هجری به شاهنشاهی، یکی از جرقه‌های انقلاب علیه این رژیم به‌شمار می‌آید. در جمهوری اسلامی ایران، برپایهٔ اصول «تذکر ایام‌الله»[1] و «تعظیم شعائرالله»[2] در گفتمان اسلامی، قداست و اهمیت روزهای ملی، به‌ویژه «روز ملی مبارزه با استکبار جهانی» افزایش می‌یابد.

تصویر شمارهٔ (۱). مراسم رونمایی از دیوارنگاره‌های جدید در سفارت آمریکا





تصویر شمارهٔ (۲). مراسم تبدیل سفارت آمریکا به حسینیه

۱. سوره ابراهیم، آیه ۵.

۲. سوره حج، آیه ۳۲.



برای نام‌گذاری روزهای ملی در تقویم، نهاد ویژه‌ای به‌نام «کمیسیون نام‌گذاری روزهای خاص» تشکیل شده است. مناسبت‌های تقویم به دو دسته تقسیم شده‌اند: ۱) مناسبت‌های مندرج در متن تقویم؛ ۲) مناسبت‌های ضمیمهٔ تقویم. از الزامات تعیین روزهای ملی این است که روزها متناسب با «نیازهای» فرهنگی و «تبلیغ منطقی و محققانهٔ دیدگاه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور» باشد (Ministry of Culture and Islamic Guidance, 2021). توجه فراوان به سیاست‌های تقویمی، موجب رشد سریع مناسبت‌ها شده است و برخی از روزها، سه یا چهار مناسبت دارند. در تقویم رسمی سال ۱۴۰۰ ایران، ۳۵۱ مناسبت وجود دارد؛ این درحالی است که کشورهای چین ۴۱، آمریکا ۳۰، عربستان ۲۱، و فرانسه ۱۷ مناسبت در تقویم خود دارند (Timeanddate, 2021). آمریکا، ازآنجاکه بیشترین نقش مستقیم و غیرمستقیم را در رویدادهای ایران داشته است، رکن ثابت روزهای ملی مهم در تقویم کشور است. در مواردی همچون ۱۳ آبان، به‌طور مستقیم و در روزهایی همچون روز دانشجو در ۱۶ آذر، روز قدس، ۲۲ بهمن، و ۹ دی، شعارها و مناسک، آمریکا را در محور قرار داده‌اند. در متن تقویم ایران، شش روز در ارتباط با جنایت‌های عینی آمریکا نام‌گذاری شده است: ۵ اردیبهشت (حملهٔ آمریکا در طبس)، ۱۲ تیر (حملهٔ آمریکا به هواپیمای مسافربری)، ۲۸ مرداد (کودتای آمریکا)، ۴ آبان (اعتراض امام خمینی به کاپیتولاسیون)، ۱۳ آبان (تسخیر لانهٔ جاسوسی) و ۱۳ دی (شهادت سردار قاسم سلیمانی). در ضمیمهٔ تقویم نیز سه روز ۳۰ خرداد (شهادت زائران حرم رضوی به‌دست ایادی آمریکا)، ۱۸ تیر (توطئهٔ آمریکا در پایگاه نوژه)، و روز ۱۵ مرداد (انفجار بمب اتمی در هیروشیما) ثبت شده است. در سال‌های اخیر، ابتکارهای جدیدی نیز برای افزایش روزهای

ملی، همچون هفتهٔ حقوق بشر آمریکایی (شش تا ۱۲ تیر)[1] انجام شده است.

در سال‌های اخیر در راستای عمومیت‌بخشی و ایجاد رویکردی ملی و نه صنفی و دانش‌آموزی به این روز تلاش شده است. مسیر راهپیمایی ۱۳ آبان در تهران، با مناسک و شعارهای تعیین‌شده، از دو مکان خاطرهٔ این روز، یعنی دانشگاه تهران به‌سوی سفارت پیشین آمریکا است. سخنرانی‌های مقامات، فضاسازی شهری، امکانات ورزشی و هنری، رسانه‌ها و فضای مجازی، ایستگاه‌های فرهنگی در شهر، دانشگاه‌ها، مدارس و اداره‌ها، نشست‌های علمی و برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی موجب می‌شوند که هر فردی، دست‌کم با یکی از رویه‌های خاطراتی این روز ملی، روبه‌رو شود؛ امری که باعث می‌شود اهمیت این روز در تاریخ انقلاب اسلامی و خاطرهٔ جمعی ایرانیان، کم‌رنگ و فراموش نشود.

٦. قوانین خاطراتی در مورد ۱۳ آبان

تاکنون سه قانون خاطراتی دربارهٔ آمریکا در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است: «قانون پیگیری حقوقی-سیاسی نقش و دخالت آمریکا و انگلیس در کودتای (۲۸) مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی ایران»، «قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی»، و «الزام دولت در تعیین سرفصل جنایات و توطئه‌های آمریکا در کتب درسی مدارس و دانشگاه‌ها». دو قانون نخست، در چارچوب دیپلماسی غرامت قرار دارند. قانون نخست، منحصر به ۲۸ مرداد است، اما قانون دوم، گسترده‌تر است و دولت را موظف می‌کند که اقدامات حقوقی لازم را برای دریافت غرامت ناشی از رخدادهای زیر انجام دهد: خسارت‌های مادی و معنوی ناشی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کودتای نوژه، جنگ تحمیلی، شهدای جنگ، ۱۷هزار شهید ترور، حمله به سکوهای نفتی، و مانند آن.

قانون خاطراتی سوم در چارچوب سیاست یادآوری قرار دارد. این قانون در جلسهٔ تاریخی مجلس در ۱۵ دی ۱۳۹۸، یعنی دو روز پس از شهادت سردار سلیمانی، به‌تصویب رسید. رئیس مجلس در ابتدای جلسه با استفاده از روش زنجیره‌سازی مبنی‌بر تداوم جنایت‌های آمریکا، موضوع شهادت سردار سلیمانی را به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پیوند می‌زند: «آقای ترامپ!... نام شما را در تاریخ جهان، هم‌ردیف جنایت کودتای ۲۸ مرداد و جنایت دیگر آمریکا در سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران، ثبت می‌کنند». در قانون یادشده، مجلس، دولت را مکلف به استفاده از اسناد لانهٔ جاسوسی، در کتاب‌های درسی می‌کند

---

۱. هرچند به‌غیر از جنایت سرنگونی هواپیما، بقیهٔ جنایت‌ها توسط منافقین و صدام انجام شده، اما در همهٔ آن‌ها، آمریکا نقش غیرمستقیم داشته است.

(Parliamentary Debates, 2019). طرح‌های دیگری نیز وجود دارند که هنوز به قانون تبدیل نشده‌اند ازجمله: «طرح الزام دولت به بازپس‌گیری درآمدهای آمریکا و انگلیس از نفت ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد»، «طرح تأسیس موزهٔ جنایات آمریکا»، و «طرح الزام دولت به پیگیری حقوقی اقدام جنایت‌کارانهٔ آمریکا در ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایران».

قانون تعیین روز مبارزه با استکبار جهانی در جلسهٔ ۸ آبان ۱۳۶۷ به‌تصویب رسید. مشروح مذاکرات این جلسه در مجلس سوم، برای درک بهتر «روح قانون»، حائز اهمیت است. *ابراهیم اصغرزاده* و *یدالله اسلامی* از بانیان و مدافعان این طرح بودند. اصغرزاده در نطق خود بیان می‌کند که این روز، نه روز بزرگداشت، بلکه باید «روز مبارزه» نام‌گذاری شود تا تداوم ۱۳ آبان در مبارزات سال‌های بعد حفظ شود، هیچ‌گاه اصل مبارزه با آمریکا فراموش نشود، تا ابد ۱۳ آبان، یک «روز زنده» بماند، سیاست خارجی «مصون» شود، و پرچم آمریکاستیزی زمین گذاشته نشود. *مؤذن‌زاده*، موافق دیگر، می‌گوید: امام یک موضع هجومی، کینه‌ای، و ضداستکبار دارند و هدف این قانون، تثبیت این موضع در قالب یک روز خاص است. یدالله اسلامی نیز در دفاع از طرح یادشده بر این نظر بود که نام‌گذاری این روز، ۱۳ آبان را به نماد کینهٔ ایرانیان از آمریکا تبدیل می‌کند؛ زیرا، «وقتی‌که ما خاطرات گذشته را مرور می‌کنیم، چه راهی برای ما جز مبارزه می‌ماند؟... این روز را ما باید با شکوه هرچه بیشتر برای یادآوری جنایات آمریکا و برای تبیین جهت‌گیری سیاسی‌مان، به‌یاد داشته باشیم». *خلخالی* و *موحدی ساوجی* نیز از مخالفان جدی این طرح بودند (Parliamentary Debates, 1988, 21-24). نکتهٔ قابل توجه و تأمل این است که آمریکا، قوانین خاطراتی پرشمار و گوناگونی علیه جمهوری اسلامی و درواقع، ملت ایران وضع و اجرا کرده است؛ ازاین‌رو، قانون‌گذاری خاطراتی ایران، یا دست‌کم بخشی از آن، را می‌توان بخشی از سیاست موازنه‌سازی خاطراتی آن به‌شمار آورد.

۷. مدارس و ۱۳ آبان

یکی از مهم‌ترین فنون و فناوری‌های خاطراتی جمهوری اسلامی ایران در حوزهٔ آموزش‌وپرورش، استکبارستیزی و مسئلهٔ آمریکا است؛ زیرا، ۱۳ آبان، در اصل، روز دانش‌آموز است که در تاریخ مبارزات ضدشاهنشاهی دانش‌آموزان، جایگاه ویژه‌ای دارد. آموزش‌وپرورش و مدرسه، به‌طور طبیعی و منطقی، در روایت ۱۳ آبان در سیاست خاطراتی ایران، اصالت و اهمیت دوچندانی دارد؛ ازاین‌رو، گرامیداشت شعائر و برگزاری مراسم پیوسته و مناسبتی مبارزه با آمریکا در برنامه‌های روزانهٔ مدارس قرار دارد. شعار «مرگ بر آمریکا» در مراسم صبحگاهی و مراسم مربوط به روزهای ملی، همچون ۲۲ بهمن، و نیز راه رفتن روی

پرچم آمریکا و آتش زدن آن، شعارنویسی روی دیوار مدارس، و... از برنامه‌های رایج مدارس هستند. کتاب‌های تاریخ مدارس، همانند همهٔ کشورهای دیگر، با رویکرد و بینش سیاسی در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی نوشته شده‌اند. بازنمایی روایت‌های مربوط به آمریکا در کتاب‌های درسی، با ترکیب تاریخ و سیاست، انجام شده است. یکی از اهداف خاطراتی انقلابی مدرسه‌ها، تربیت دانش‌آموزانی با ترومای جمعی در مورد «رژیم مافیایی»[1] آمریکا و برانگیختن حس انزجار و انتقام در برابر عملکرد منفی آن است؛ به‌گونه‌ای که فرزندان انقلاب اسلامی نباید خاطرهٔ جنایات آمریکا در ایرانِ پیش و پس از انقلاب را فراموش کنند.

---

۱. رهبر انقلاب، در بیانات خود به‌مناسبت عید سعید مبعث در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۴۰۰، آمریکا را این‌گونه توصیف می‌کنند: رژیم آمریکا «بحران‌ساز و بحران‌زیست» و اساساً یک «رژیم مافیایی» است که شبکه‌های مافیای سیاسی، اقتصادی، و اسلحه‌سازی در درون آن، از گسترش بحران‌ها در جهان، تغذیه و ارتزاق می‌کنند (Https://Farsi.Khamenei.Ir/News-Content?Id=49673).

پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۱۲، شمارهٔ ۱، شماره پیاپی ۲۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

تصویر شمارهٔ (۳). بازنمایی تصویری آمریکا در کتاب‌های درسی مدارس

مطالعات اجتماعی، پایه نهم،صفحه ۱۰۹



حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران و کشته شدن ۲۹۰ نفر انسان بی‌گناه



حمله آمریکا به سکوهای نفتی در سال‌های آخر جنگ تحمیلی

تفکر و سواد رسانه‌ای، پایه دهم، صفحه ۳۱



کارتن‌خواب امریکایی



جنبش وال‌استریت علیه بی‌عدالتی در آمریکا

مطالعات اجتماعی، پایه نهم،صفحه ۵۰



جنبش‌ها و اعتراضات متعدّد در آمریکا در اعتراض به بی‌عدالتی‌های گسترده در این کشور

مطالعات اجتماعی، پایه نهم، صفحه ۴۷



بی‌خانمان

۱۳ آبان یکی از خاطره‌انگیزترین روزها برای هر دانش‌آموز ایرانی به‌شمار می‌آید. در سیاست خاطره، «اجتماعات خاطراتی»[۱] که زیرمجموعهٔ کوچک‌تری از جامعهٔ خاطراتی هستند، نقش بسیار مهمی دارند؛ زیرا، می‌توان سیاست خاطراتی متناسب با شرایط و سن اجتماع هدف را اجرا کرد؛ به‌عنوان مثال، روز ۱۶ آذر، متناسب با اجتماع خاطراتی دانشجویان و ۱۳ آبان، برای دانش‌آموزان تدارک دیده شده است. با وجود اینکه روز دانش‌آموز به‌دلیل شهادت تعدادی از دانش‌آموزان در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ توسط رژیم شاه نام‌گذاری شده است، اما محتوای خاطراتی این روز، بیشتر مرتبط با رخداد تسخیر سفارت آمریکاست؛ به‌عنوان مثال، در این روز «زنگ استکبارستیزی» نواخته می‌شود؛ زیرا، در روز ۱۳ آبان ۱۳۵۸، دانشجویان پیرو خط امام، سفارت آمریکا را تسخیر کردند.

در زنگ استکبارستیزی، برنامه‌های تفریحی و آموزشی متفاوتی برگزار می‌شود، فعالیت‌های درسی در این روز تعطیل می‌شود و دانش‌آموزان با خروج از مدرسه به راهپیمایی ملی می‌پیوندند. در کتاب‌های درسی، دانش‌آموزان، ۱۳ آبان را فراتر از تاریخ، به‌عنوان یک هویتِ انقلابی می‌آموزند؛ ازاین‌رو، کتاب درسی‌ای که ۱۳ آبان را برای دانش‌آموزان تبیین می‌کند، کتاب «هویت اجتماعی» پایهٔ دوازدهم است. هدف از این رویکرد نیز تاریخ‌سازی هویتی از خاطرهٔ ۱۳ آبان است. محتوای درسی نیز که ۱۳ آبان را مطرح می‌کند، در بافت زمان حال است. در درس نهم این کتاب با عنوان «بعد سیاسی هویت ایران»، موضوع تسخیر لانهٔ جاسوسی، به‌عنوان مرحلهٔ جدیدی از تاریخ ایران مطرح می‌شود که ازاین‌پس، اعمال و رفتار آمریکا را پاسخ می‌دهد. همچنین، به‌لحاظ صفحه‌آرایی، متن مربوطه ذیل سه محتوای بصری ـنوشتاری دربارهٔ سه مبارز علیه ظلم و استعمار آمریکا و انگلیس، آمده است. محتوای ارائه‌شده دربارهٔ ۱۳ آبان، حرکت قهرمانانه در راستای استقلال و رفع وابستگی به آمریکا با ادبیات ارزشی به‌منظور برانگیختن حس عاطفی دانش‌آموز در کنار آموزش تاریخ است (Social identity, 2020). نکتهٔ مهم دیگر، استفادهٔ بیشینه از اسناد لانهٔ جاسوسی در کتاب‌های درسی مدارس است؛ به‌گونه‌ای که با تأکید و توصیهٔ مقام معظم رهبری، اسناد لانهٔ جاسوسی، به مهم‌ترین و پرارجاع‌ترین منبع کتاب‌های درسی تاریخ تبدیل شده است.

۸. رسانه‌های جمعی (فیلم و سریال)

تاکنون ده‌ها فیلم، سریال، و مستند ساخته شده است که مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع بازنمایی جنایت‌های آمریکا ازجمله کودتای ۲۸ مرداد، حمایت از شاه، عملیات طبس، و... پرداخته‌اند؛ اما مهم‌ترین

---

۱. Mnemonic Community

و تازه‌ترین اثر دربارهٔ خاطرهٔ ۱۳ آبان، «مجموعهٔ تلویزیونی روزهای ابدی» است. این طرح کلان، ازجمله مجموعه‌های «راهبردی» صداوسیماست که در سیمافیلم تولید شده است. این مجموعهٔ تاریخی، رویدادهای اوایل انقلاب اسلامی ایران، از بهمن سال ۱۳۵۷ تا آبان سال ۱۳۵۸، را با محوریت قشر جوان و عمدتاً دانشجو، روایت می‌کند؛ رویدادهایی که سرانجام، به تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان پیرو خط امام ختم می‌شود.

این مجموعه، بعد و بار خاطراتی مهمی برای روابط ایران و آمریکا و تسخیر سفارت این کشور در تهران دارد. رویکرد و ابعاد خاطراتی «روزهای ابدی» از نام آن مشخص است؛ به‌گونه‌ای که ترسیم می‌شود که هم جنایت‌های آمریکا و هم مبارزه با آمریکا، با ابدیت پیوند خورده است و نباید مشمول مرور زمان شده و فراموش شود. داستان سریال را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: دو مقدمه شامل قانون کاپیتولاسیون و تداوم جنایت‌ها پس از انقلاب اسلامی و یک نتیجه، یعنی حملهٔ پیشگیرانه به سفارت آمریکا برای جلوگیری از کودتایی شبیه آنچه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رخ داد. البته در این فیلم نیز مانند سایر فیلم‌ها، بزرگ‌نمایی‌هایی انجام شده است؛ برخی از رویدادهای تاریخی و مفاهیم سیاسی، مانند کاپیتولاسیون و نفوذ، برجسته‌سازی شده است تا برای عموم مردم، قابل‌فهم باشد.

• **کاپیتولاسیون:** در سکانسی از این فیلم نشان داده می‌شود که آمریکایی‌ها برای تفریح و تمرین تیراندازی، مردم عادی را هدف قرار می‌دهند. پس از آنکه یکی از نظامیان آمریکایی در مزرعه‌ای برای سرگرمی به یک رهگذر عادی تیراندازی می‌کند، دادگاه مطابق قانون کاپیتولاسیون، حکم می‌دهد که صلاحیت رسیدگی به پرونده را ندارد. در بخش مهم دیگری از سریال، یک آمریکایی درصدد تجاوز به همسر سرهنگ *شریف‌زاده*، از شخصیت‌های محوری سریال، برمی‌آید، اما هنگام فرار زن، دیپلمات آمریکایی او را به‌قتل می‌رساند و او نیز به‌دلیل قانون کاپیتولاسیون، دستگیر نمی‌شود. همچنین، یک مأمور زن آمریکایی، در حالت مستی، دو نوجوان را به‌قتل می‌رساند، اما به‌دلیل کاپیتولاسیون، تحت تعقیب قرار نمی‌گیرد.

• **تداوم جنایت‌های سفارت از طریق جاسوس‌ها و نفوذی‌ها:** در یک سکانس، در جلسه‌ای در اتاق سری سفارت آمریکا بیان می‌شود که پول، اسلحه، و حمایت بین‌المللی گروه‌های ضدانقلاب توسط سفارت آمریکا فراهم می‌شود. آمریکا، ترور مقامات را هم از طریق همین گروه‌ها انجام می‌دهد. *تام*، رئیس هیئت مستشاری آمریکا، درحالی‌که عکس بزرگان انقلاب را در دست دارد، می‌گوید: «ما درون چند گروه تندرو مذهبی، نفوذ کردیم؛ فرقان، مجاهدین، و فرصت‌طلب‌های قدرت‌طلب. به آن‌ها به‌طور

غیرمرئی جهت می‌دهیم. اول هم از متفکر اصلی شروع می‌کنیم [اشاره به عکس شهید مطهری]».
آشوب‌های قومی و مذهبی نیز براساس نفوذ و حمایت سفارت آمریکا قوام می‌یابد؛ به‌عنوان مثال، مأمور زنی که در سی‌آی‌ای آموزش دیده است، در پوشش خبرنگار به گنبد و ترکمن‌صحرا می‌رود و رهبری اعتراضات را از طریق فدائیان خلق به‌عهده می‌گیرد. سپس، مأمور دیگری از سفارت آمریکا با سه میلیون دلار، عازم کردستان می‌شود و با عرضهٔ پول و راهنمایی‌های سیاسی و رسانه‌ای، حزب‌های کرد را تقویت و بر لزوم تجزیه‌طلبی به‌جای خودمختاری تأکید می‌کند. جاسوس‌های اصلی آمریکا در دولت نیز، *عباس امیرانتظام* و سپس، *ابوالحسن بنی‌صدر* هستند. بنی‌صدر اطمینان دارد که دیر یا زود، انقلابیون به جاسوس بودن او پی می‌برند؛ ازاین‌رو، برای دوران فرار خود، نیاز به پس‌انداز و مستمری دارد و درنتیجه، در مقابل ۱۰۰۰ دلار، اطلاعات مهم را مخابره می‌کند.

• **اقدام پیشگیرانهٔ دانشجویان پیرو خط امام در برابر کودتا:** در فیلم، این‌گونه روایت می‌شود که هدف آمریکایی‌ها این است که به‌دروغ، شاه را بیمار و مبتلا به سرطان نشان دهند تا به این بهانه، او را به آمریکا ببرند و فرمانده کودتا کنند. انقلابیون، این اقدام را تکرار کودتای ۲۸ مرداد ارزیابی می‌کنند. در یکی از صحنه‌های احساسی و حماسی فیلم، ۱۰ دانشجوی انقلابی برای واکنش به این تحرکات آمریکا، دور هم جمع می‌شوند و خروجی آن، تصمیم‌گیری برای اشغال سفارت است. در این جلسه، دانشجویی در سخنرانی خود می‌گوید:

ملت ایران، ۲۵ سال خفقان و بیداد شاه را مجبور شد تحمل کند، برای کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد. ما دوباره نباید بگذاریم تاریخ تکرار شود. پیشنهاد ما تصرف سفارت آمریکا است. آمریکایی‌ها در همهٔ این سال‌ها، بالاخص در این هشت ماه اخیر، هرجا دلشان خواسته کنوانسیون‌های بین‌المللی را نقض کردند. حالا ما فقط می‌خواهیم برای دو، سه روز مقابله‌به‌مثل کنیم.... ما نباید کودتای ۲۸ مرداد را فراموش کنیم. متأسفانه آن‌ها دوباره دارند شبیه دورهٔ مصدق عمل می‌کنند. یعنی دارند یک کودتای جدید می‌چینند.

سرانجام، دانشجویان، سفارت را تصرف می‌کنند. درون سفارت بین *مهدی*، شخصیت اصلی داستان و *جان لیمبرت*، دیپلمات آمریکایی، گفت‌وگوی زیر شکل می‌گیرد:

ـ لیمبرت: هر جنگی یک قاعده‌ای دارد. سفارت، منطقهٔ حفاظت‌شده است. مثل اینکه یک آدمی بدون مجوز بخواهد وارد کشور دیگری شود.

ـ مهدی: جاسوسی چه؟ آن هم قواعد خاص خودش را دارد؟

ـ لیمبرت: جاسوسی یعنی چه؟ ربایش اطلاعات که همه دارند این کار را می‌کنند. آمریکا یک کشور

قدرتمند است که موردغضب خیلی‌ها است و مجبور به این کار است. هرکسی باید کلاه خودش را بگیـرد که باد نبرد.

ـ مهدی: ما هم آمدیم اینجا تا کلاهی را که ۲۵ سال است سر ملت ایـران گذاشـتید و به‌اسـم سـفارت و در پناه پروتکل‌های جهانی، جاسوسی کردید و به‌فکر براندازی بودید، جلویش را بگیریم.

ـ لیمبرت: یعنی شما هنوز فکر می‌کنید ما به‌دنبال یک کودتای دیگر مثل ۲۸ مرداد هستیم.

ـ مهدی: فکر نمی‌کنیم، مطمئنیم.

نتیجه‌گیری

یکی از عوامل تعیین‌کننده و عناصر تکوین‌دهندهٔ سیاست خارجی کشورها، سیاست خاطره است. کشـورها از رویکردها و رویه‌های گوناگون سیاست خاطره بهره می‌گیرند تا سیاست خارجی خود را معقول، موجه، و مشروع سازند؛ ازاین‌رو، یکی از عناصر قوام‌بخش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایـران نیـز سیاسـت خاطره است. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های کاربسـت سیاسـت خـاطره در سیاسـت خـارجی ایـران، مقابلـه و مبارزه با آمریکاست؛ به‌گونه‌ای که منازعهٔ ایران و آمریکا، نوعی منازعـهٔ خـاطراتی در چـارچوب سیاسـت خاطره است. رویکرد خاطراتی ایران در قبال آمریکا، سیاست یادآوری خاطرهٔ ۱۳ آبان، از طریق رویه‌های خاطراتی با محتوای روایی انزجار و انتقام و پیروزی هم‌زمان و بازتولید مستمر آن‌هاست.

سیاست یادآوری، در مبارزهٔ خاطراتی با آمریکا، برمبنای «موازنهٔ خاطره» و «موازنه‌سازی خاطراتی» اتخاذ و اعمال می‌شود. در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، از هر دو نوع موازنه‌سازی خاطراتیِ درون‌گـرا و برون‌گرا برای مبارزه با آمریکا استفاده می‌شـود. موازنه‌سـازی خـاطراتیِ درون‌گـرا، بـه‌معنای مقابلـه بـا و خنثی‌سازی پادخاطرهٔ سیاست فراموشی است؛ رویکرد خاطراتی‌ای که توسط برخی از نیروها و جناح‌هـای سیاسی در داخل کشور در تقابل با سیاست یادآوری ۱۳ آبان شـکل گرفتـه اسـت. موازنه‌سـازی خـاطراتی برون‌گرا، متضمن اِعمال سیاست یادآوری ۱۳ آبان برای مقابله با سیاست خاطرهٔ تهاجمی و تخریبی آمریکا در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران است. فنون و فناوری‌هـای خـاطراتی نام‌گـذاری، روز ملـی، مـوزه، قانون‌گذاری خاطراتی، مدارس، و رسانه به‌صورت بهینه و بیشینه در راهبرد موازنه‌سازی خاطراتی برون‌گرا در سیاست خارجی ایران در قبال آمریکا به‌کار گرفته شده است. نکتهٔ مهم این است که سیاست یـادآوری ایران بیشتر یا به‌طور کامل، معطوف به سطح داخلی است تا سطح بین‌المللی. درحالی‌که، اتخاذ و اِعمال این سیاست در عرصهٔ بین‌المللی، ضرورت و اهمیت راهبردی دارد.

سیاست خاطره، پیامدهای مهمی برای سیاست‌گذاری خارجی ایران در قبال آمریکا دارد. لازمهٔ موفقیت هر

رویکردی در قبال آمریکا، توجه به سیاست‌گذاری خاطراتی است. درصورت عزم و اراده برای تداوم مقاومت و مبارزه با آمریکا، باید بعد خاطراتی آن نیز تقویت و تعمیق شود. درحالی‌که به‌اندازه‌ای که آمریکا توانسته است در محیط بین‌الملل و حتی داخلی ایران، سیاست نفرت را از طریق یادآوری خاطرهٔ ۱۳ آبان و خاطره‌های اتهامی تروریستی دیگر، به‌کار گیرد، ایران نتوانسته است رویکرد متناسب و متوازنی در سطح بین‌المللی درپیش بگیرد. امروزه، خاطرهٔ ۱۳ آبان برای مخاطب بین‌المللی، خاطرهٔ «بحران گروگان‌گیری» نام دارد، نه خاطرهٔ «لانهٔ جاسوسی».

روایت مشروعیت‌بخش از ۱۳ آبان، برخلاف خاطرهٔ ۲۸ مرداد، آسان نیست و سیاست یادآوری آن، درصورت رویه‌ها و روایت‌بندی ضعیف می‌تواند به ضد خود تبدیل و مشروعیت‌زدا شود. به‌ویژه اینکه کمتر کشوری به‌طور رسمی اقدام به گروگان‌گیری کرده است. مقامات ارشد کشور نیز در سال‌های ابتدایی، آشکارا دیپلمات‌های آمریکایی را «گروگان» می‌نامیدند و دولت آمریکا درصدد برآمده است تا با ارجاع به این خاطره، دولت ایران و اقدامات کشور را، همچون دستگیری جاسوس‌های کشورهای دیگر، به‌عنوان یک دولت گروگانگیر معرفی کند. درصورت ضعف رویه و تبیین خاطراتی ایران، ممکن است مخاطبانِ داخلی و خارجی این روایت، آمریکا را بپذیرند؛ ازاین‌رو، تقویت و ترویج روایت ۱۳ آبان به‌مثابه خاطرهٔ «لانهٔ جاسوسی» در سطح بین‌المللی، یکی از ضرورت‌ها و اولویت‌های سیاست خارجی ایران است.

رویکرد خاطراتی راهبردی آمریکا علیه ایران، ستیزه‌جویانه، تهاجمی، و خصمانه بوده و باقی مانده است. در برهه‌هایی نیز که برخی از دولت‌های آمریکا به‌صورتِ اعلانی، در راستای «تنش‌زدایی خاطراتی» مواضعی اتخاذ کرده‌اند، ازجمله اعتراف تلویحی *آلبرایت*، *هیلاری کلینتون*، و *اوباما* به نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد و انتشار اسناد این مداخله توسط سیا، موقتی و تاکتیکی بوده است. این اقدامات کوچک به‌همراه اعمال سیاست خاطراتی خصمانهٔ و حتی انکار نقش این کشور در کودتا توسط برخی از مقامات آمریکا همچون *برایان هوک*، نشان‌دهندهٔ تداوم رویکرد خاطراتی ستیزه‌جویانهٔ آمریکا علیه ایران است.

درمقابل، ایران نیز برپایهٔ راهبرد موازنه‌سازی خاطراتی برون‌گرا، درصدد بوده است که گذشته، هرچه فعال‌تر و زنده‌تر باقی بماند؛ به‌گونه‌ای که این داغ خاطراتی (به‌ویژه کودتای ۲۸ مرداد به‌عنوان فراخاطره‌ای[1] که خاطرات دیگر با ارجاع به آن درک می‌شود)، معنابخشی، ادراک‌سازی، و جهت‌دهی خود در سیاست خارجی را از دست ندهد. سیاست یادآوری، ضمن مشروعیت‌بخشی، می‌تواند با تسلط بر

---

1. Metamemory

معنای گذشته، قدرت خاطراتی ایران را در منازعهٔ خاطراتی با آمریکا افزایش دهد. بااین‌حال، تنها یادآوری روان‌زخم‌ها و شکست‌ها، ممکن است ضمن نفرت، تولید انفعال و حقارت کند؛ بنابراین، یادآوری خاطره‌ای ضرورت می‌یابد که فعال، افتخارآفرین، و عزت‌بخش باشد. یادآوری یوم‌الله ۱۳ آبان، این هدف را به‌خوبی تأمین می‌کند. ۱۳ آبان، خاطره‌ای است که در بطن آن، هم کودتا و کاپیتولاسیون وجود دارد و هم تحقیر تاریخ‌ساز یک ابرقدرت استکباری. پنج رویهٔ خاطراتی موردبررسی در این مقاله نشان می‌دهد که خاطرهٔ ۱۳ آبان، بنیان موجه‌کننده، مشروعیت‌بخش، و انگیزه‌ساز رویکرد حاکم بر سیاست خارجی ایران در قبال آمریکا است.

براین‌اساس، آمریکا با اتخاذ و اعمال رویه‌های خاطراتی‌ای همچون فیلم آرگو یا وضع قانون خاطراتی در سال ۲۰۱۵ (که مطابق آن، به هر گروگانی از سفارت سابق آمریکا به‌ازای هر روز، ۱۰هزار دلار غرامت پرداخت می‌شود) سیاست خاطراتی خصمانه‌ای را در برابر ایران اتخاذ کرده است. ضمن اینکه راهبردهای پادخاطرهٔ گروه‌ها و رسانه‌های مخالف ایران در برابر تسخیر سفارت و پیامدهای آن، یک فضای بدیل خاطراتی را به‌وجود آورده است که درصورت تشدید تضاد بین شیوهٔ یادآوری رسمی و غیررسمی می‌تواند به «بحران خاطره» تبدیل شود. کما اینکه در سال‌های اخیر، میزانی از بدبینی به خاطرهٔ ۱۳ آبان در بعضی از جناح‌ها و گروه‌های سیاسی و برخی از دانشجویان تسخیرکننده، برمبنای پادخاطره‌سازی مشاهده می‌شود.

به‌زعم حاملان و روایت‌کنندگان پادخاطرهٔ ۱۳ آبان، سیاست خارجی ایران در قبال آمریکا، دچار «خاطرهٔ بیش‌ازحد» یا «خاطره‌زدگی» شده است. آنان، به‌عنوان حامیان سیاست «تنش‌زدایی خاطراتی»، بر این نظرند که رویه‌های خاطراتی کنونی در عمیق‌ترین لایه‌های روانی، خودآگاه، و ناخودآگاه ایرانیان، از سنین کودکی در مدارس تا فضای زندگی روزمره، روایت‌گر ۷۰ سال جنایت آمریکایی‌ها است که عادی‌سازی و بهبود روابط با آمریکا را نامکن می‌کند. درحالی‌که تنش‌زدایی از روابط با آمریکا، موجب عدم‌تطبیق حال با گذشتهٔ فعال می‌شود؛ بنابراین، یا باید سیاست خارجی تداوم همین روایت خاطراتی باشد یا اینکه گذشته تغییر کند. به‌نظر پادخاطره‌سازان ۱۳ آبان، سیاست خاطراتی متناسب با تنش‌زدایی، مبتنی‌بر سیاست فراموشی فعال، انقطاع زمانی، روایت‌گری بدیل خاطراتی، و برجسته‌سازی خاطرات به‌اصطلاح مثبتی همچون *هوارد باسکرویل*، *مورگان شوستر*، *ساموئل جردن*، *آرتور میلسپو*، بازپس‌گیری آذربایجان، و... است. اما واقعیت این است که آمریکا، حتی در قالب سیاست خاطره نیز درصدد تنش‌زدایی خاطراتی با ایران نبوده و دراین‌راستا اقدام نکرده است.

References

Abbas, M (2013). *The Shah*. Toronto: PersianCircle. [in Persian].
Adorno, T., Hobsbawm, E., Said; s. & Kilby, J. (2017). *Memory, History and Trauma*. Tehran: Kherade Sorkh. [in Persian].
Ariely, G. (2016). Remembrance Day Influence on National Sentiments and Hostility Towards Out-groups: Evidence from a Panel Study in Israel Gal Ariel. *Ethnic and Racial Studies. 40(14), 1-14.*
Ayatollah, H. & Fahmiyefar, A. (2012). Study of the Social Situation of Post-Revolutionary Wall Weaving in Iran with the Sociological Approach of Pierre Bourdieu. *Attitude*, 24(1), 70-93. [in Persian].
Aden, R. C. (2012). When Memories and Discourses Collide: The President's House Places of Public Memory. *Communication Monographs*, 79(1), 72-92.
Bell, D. (2006). *Memory, Trauma and World Politics*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
Cherviatsova, A. (2020). Memory as a Battlefield: European Memorial Laws and Freedom of Speech. *The International Journal of Human Rights*, 25(4), 1-18.
Craik, T. (2020). *The Oxford Handbook of Memory*. Oxford University Press.
D'Ascenzo, M. (2016). Creating Places of Public Memory Through the Naming of School Buildings. *A Case Study of Urban School Spaces in Bologna in the 19th and 20th Centuries*, 7(1), 441-458.
Davoodi, A. A. (2012). The Role of Collective Memory in the Occurrence of Ethnic Conflicts. *Sociology of Iran*, 13(2), 130- 152. [in Persian].
Farzbad, M. M., Rezaei, A. & Choobbasti, H. (2016). Collective Memory and Iranian Identity. *National Studies*, 19(1), 11-134. [in Persian].
Farzbad, M. & Choobbasti, H. (2016), The Collective Memory of Generations from the Iran-Iraq War. *Cultural Studies and Communication*, 14th Year, No. 23(50). 34-57. [in Persian].
Fattahizadeh, A. (2016). Politics of Memory: An Introduction to a New Approach to Politics and History. *Politics*, 46 (4). 959-977. [in Persian].
Goode, J. F (2003). *The United States and Iran: In the Shadow of Musaddiq. Translated by Ali Bakhtiari Zadeh*, Tehran: Kavir. [in Persian].
Intini, D. (2015). *The Politics of National Celebrations in Post-Revolutionary Iran*. Leiden University, Master's Thesis.
Jalalpour, S. (2012). Analysis of the Change of Names of Iranian Cities in the First Pahlavi Period and the Role of the Academy of Languages. *Documents Quarterly*, 22(4), 40-63. [in Persian].
Jaskulowski, K. (2017). Politics of Memory in Upper Silesian Schools: Between Polish Homogeneous Nationalism and its Silesian Discontents. *Memory Studies, 13(1), 60-73.*
Javadi Yeganeh, M., Borzoo, S. & Shahidi, M. (2016). The Politics of Memory in Urban Space: A Case Study of Post-Revolutionary Museums in Tehran. *Culture-Communication Study*, 17 (34), 39-61. [in Persian].
Jõesalu, K., & Kõresaar, E. (2013). Continuity or Discontinuity: On the Dynamics of Remembering "Mature Socialism". Estonian Post-Soviet Remembrance Culture. *Journal of Baltic Studies*, 44(2), 177–203.
Karimi, A. (2013). Collective Memory and the Identification Process: Policy Reflections. *National Studies*, 14(2), 57-82. [in Persian].
Kasbarian, S. (2017). The Politics of Memory and Commemoration: Armenian Diasporic

Reflections on 2015. *Nationalities Papers, 46(1), 123- 143.*
Kathrin, B. (2019). Diplomacy with Memory: How the Past is Employed for Future Foreign Policy. *Foreign Policy Analysis*, 15(1), 492–508.
Katz, M. (2013). Sites of Memory in Hindustani Music: Yusuf Ali Khan and the Sitar Shops of Lucknow. *Ethnomusicology Forum*, 23(1), 67–93.
Kazemi, K., & Mostafa Pour, A. (2013). The Collective Memory of the Kurdish People and its Relationship with the Attitude of the Identity System. *Sociology of Iran*, (14)1, 172-142. [in Persian].
Labanyi, J. (2008). The Politics of Memory in Contemporary Spain. *Journal of Spanish Cultural Studies*, 9(2), 119-125.
Langenbacher, E. & Shain, Y. (2010). P*ower and the Past Collective Memory and International Relations*. Washington, D.C.: Georgetown University Press.
Lavinia S., & Nadya, N. (2015). P*ost-Communist Transitional Justice: Lessons from 25 Years of Experience*. Cambridge: Cambridge University Press.
Maria., M. (2017). ‘Memory Must Be Defended’: Beyond the Politics of Mnemonical Security. *Security Dialogue, 5(2), 1-19.*
McKinnon, S., Andrew, G. & Dale D. (2016). ‘The Greatest Loss was a Loss of our History’: Natural Disasters, Marginalised Identities and Sites of Memory. *Social & Cultural GeoGraphy, 17(8), 1-23.*
Ministry of Culture and Islamic Guidance (2021). Special Day Naming Commission. Online at: https://golestan.farhang.gov.ir/fa/ghavanin/namgozarirooz.
Parliamentary Debates (1988) .*Third round, forty-fifth session*. 44(127). [in Persian].
Parliamentary Debates (2019). *Tenth Round-Fourth four Hundred and Fifth Session*. 75(21). [in Persian].
Ram, H. (2000). The Immemorial Iranian Nation? School Textbooks and Historical Memory in Post-Revolutionary Iran. *Nations and Nationalism*, 6 (1), 67-90.
Rasouli, M. (2015). A Look at the External Relations of the Armenian Diaspora based on the Concept of Collective Memory. *Social Sciences Quarterly*, 25(70), 101- 128. [in Persian].
Redwood, R. (2008). From Number to Name: Symbolic Capital, Places of Memory and the Politics of Street Renaming in New York City. *Social & Cultural Geography*, 9(4), 420-438.
Resende, E., & Budryte, D. (2014). *Memory and Trauma in International Relations, theories cases and debates*. London: Routledge.
Rusu, S. (2017). Transitional Politics of Memory: Political Strategies of Managing the Past in Post-Communist Romania. Europe-Asia Studies, Seitz, S. (2017). *The Politics of Memory and Foreign Policy*. Available at: https://politicstheorypractice.com /2017/12/20/the-politics-of-memory-and-foreign-policy/.
Schudson, M. (1997). Lives, Laws, and Language: Commemorative Versus Non-Commemorative forms of Effective Public Memory. *The Communication Review*, Vol. 2(1).
Shariati, S. & Soroushfar, Z. (2016). Study of Time Policy Governing the Iranian Calendar in the Years after the Islamic Revolution. *Social Studies and Research in Iran*, 6(1), 89-67. [in Persian].
Snyder, T. (2004). *The Reconstruction of Nations: Poland, Ukraine, Lithuania, Belarus,*

1569–1999. Connecticut: Yale University Press.
Social Identity (2020). *Social Identity (Social Science Textbook), Twelfth Grade*. Tehran: Iran textbook publishing company. [in Persian].
Sodaro, A. (2018). *Exhibiting Atrocity, Memorial Museums and the Politics of Past Violence*. London: Rutgers University Press.
Supreme leader (2008). A Group Meeting of Students and Various University Organizations on the Eve of the Anniversary of the 13th of Aban. available at: https://www.leader.ir/fa/speech/4129/.
Timeanddate (2021). *Calendar for Year 2021 (United States)*. Available at: https://www.timeanddate.com/calendar/?year=2021&country=1.
Verovšek, P. J. (2016). Collective Memory, Politics, and the Influence of the Past: The Politics of Memory as a Research Paradigm. *Politics. Groups, and Identities, 4(4), 1-18.*
Verovsek, P. J. (2017). Memory, Narrative, and Rupture: The Power of the Past as a Resource for Political Change. *Memory Studies, 5(2), 128.*
Violi, P. (2012). Trauma Site museums and Politics of Memor. *Theory, Culture & Society*, 29(1): 36-75.
Wang, Z. (2018). *Memory Politics, Identity and Confict Historical Memory as a Variable*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
Wawrzyński, P. (2013). *The Past, Polish Politics of Memory and Stereotyping: an Intercultural Perspective*. available at: http://iscap.ipp.pt/cei/E-REI %20Site/Pages/1.htm.
Williams, J. (2014). (*Re)constructing Memory: School Textbooks*. Washington: George University.
Wills, J. S. (2005). Ome people even Died': Martin Luther King, Jr, the Civil Rights Movement and the Politics of Remembrance in Elementary Classrooms. *International Journal of Qualitative Studies in Education*, 18(1), 108- 123.